



خبر

چرا شادترین شاعر ایران

سال‌ها نادیده گرفته شد؟



بخش فرهنگی – محمدعلی اسلامی ندوشن با یاد کردن از سعدی به عنوان شادترین شاعر ایران، سال‌ها پیش این پرسش را مطرح کرده که چه شد او طی ۷۰۰ سال، حاضرترین فرد در متن جامعه ایران بود و چه شد که طی ۵۰ سال آن‌طور که می‌بایست، به مقام او توجه نشد؟ به گزارش ایسنا، محمدعلی اسلامی ندوشن متولد ۱۳۰۴ در ندوشن یزد بود که برای دیدار با فرزندانش به کانادا رفت و بعد به‌خاطر عوارض کپه‌لث سن و کرونا آن‌جا ماندگار شد و پنجم اردیبهشت سال ۱۴۰۱ چشم از دنیا فروبست و خانواده پیکرش را همان‌جا به امانت به خاک سپردند تا در فرصت مناسب، طبق وصیت خودش به ایران برگردد و در نیشابور در جوار آرامگاه عطار و خیام آرام گیرد؛ هرچند زادگاهش یزد بود و از ندوشن برخاسته بود. پیکر اسلامی ندوشن ۲۸ آبان ۱۴۰۲ به ایران بازگشت و بعد از تشییع در دانشگاه تهران، یزد و نیشابور در خانه ابدی‌اش آرام گرفت.
در همان‌جا به امانت به خاک سپردند تا در فرصت مناسب، طبق فرانسه بود و استاد پیشین دانشگاه تهران، که علاوه بر درس‌های حقوقی، به تدریس نقد ادبی، سخن‌سنجی و ادبیات تطبیقی نیز می‌پرداخت. او سال‌ها زندگی خود را صرف تحقیق در آثار علمی و ادبی ایران و ترجمه آثار نویسندگان جهان کرد و آثارش به‌صورت کتاب در بیش از ۵۰ جلد در زمینه‌های گوناگون اعم از ادبی، فرهنگی و اجتماعی به چاپ رسیده است.

همزمان با سالروز درگذشت محمدعلی اسلامی ندوشن در اردیبهشت که با نام سعدی گرّه خورده و در هفته بزرگداشت این شاعر قرار داریم، بخش‌هایی از جستار او را درباره سعدی که در کتاب «چهار سختگوی وجدان ایرانی» (چاپ سوم – ۱۳۸۰) منتشر شده است می‌خوانیم. اسلامی ندوشن در این کتاب سعدی را حاضرترین فرد در متن جامعه ایرانی می‌داند و از این شاعر به عنوان اولین معلم و یک مصلح اجتماعی یاد می‌کند و او را «سختگوی ضمیر آگاه ایرانی» می‌خواند که در دوره‌هایی کمتر به او توجه شده و کمتر درباره او حرف زده شده است.

اسلامی ندوشن در این کتاب نوشته است:

ز خلق، گوی لطافت تو برده‌ای امروز

به خوبریوی و سعدی به خوب گفتاری

سعدی تقریباً شادترین شاعر ایران است. شاعری است که کمتر ما را در دست‌اندازهای زمین و آسمان می‌اندازه، و یا در دست‌اندازهایی که وجدان ما را به تب و تاب افکند، خیلی آرام بیان می‌کند و در واقع می‌خواهد ما را آرام به راه راست بیاورد. نزدیک هفتصد سال سعدی در ایران معلم اول بوده. به عنوان «مصلح اجتماعی» می‌توان گفت که درس‌دهنده به همه خانواده‌ها بوده. اگر درسش را گوش نکرده‌اند، موضوع دیگری است. او درس خود را داده، مردم هم خوانده‌اند و تکرار کرده‌اند. از مکتب‌آموزدها تا بالاترین مجامع ایران. چه شد که طی این هفتصد سال، حاضرترین فرد در متن جامعه ایران بوده است؟ و چه شد که طی این پنجاه سال اخیر آن‌طور که می‌بایست، به مقام سعدی توجه نشد؟ کسان دیگری به عللی بیشتر در متن توجه بودند، بیشتر کتاب درباره‌شان نوشته شد، بیشتر بحث و حرف درباره آنها صورت گرفت، مثل حافظ و مولوی و فردوسی. از این چهار بزرگ، از سعدی کمتر حرفش زده شد. برای این موضوع چند علت هست:

یکی اینکه از زمانی که بیشتر سیاسی شدیم، یعنی از شهریور ۲۰ که ایران در اشغال قرار گرفت، قشری از جامعه ایران یکدغه سیاسی شد، گروه‌های مختلف، مرام‌ها و حزب‌های مختلف و زیر و بم‌های مختلف پیش آمد و کسانی که خود را «پیشرو» می‌دانستند، سعدی خیلی به مذاقشان خوش نمی‌آمد؛ زیرا او را چنان که باید قاطع نمی‌دیدند که یک جهت را در پیش بگیرد؛ مثلا تکلیف با مولانا روشن‌تر است، یا فردوسی، یا حتی حافظ. سعدی چون همه‌جانیه است، همه مسائل بشری را مطرح کرده، هیچ‌جتهی را به تنهایی نگرفته و قصدش واقعا تربیت ساده اجتماعی برای جامعه بوده، باب طبع کسانی که بیشتر یک‌جتهی فکر می‌کردند، نبوده. سیاست قاطع است. یک حزب می‌گوید این باید بشود و آن نباید بشود، یک مرام نیز همین‌گونه فکر می‌کند. فکر یک‌جتهی باعث می‌شود که انسان‌ها پیشوایان فکری خود را آسان‌تر در جهت مدینه انتخاب کنند، تا آنها کمک کنند به نظریه‌ای که آن حزب یا آن دسته و گروه به آن دل‌بسته است. این است که سعدی چنان که باید، باب طبع چپ‌روها و کسانی که اندیشه تند را دنبال می‌کردند و خواه ناخواه روی نظریاتشان تعصب داشتند، نبود. آنها هم چون تبلیغات وسیعی داشتند، در دیگران و به‌خصوص جوان‌ها اثرگذار شدند. البته پیش اهل نظر همیشه سعدی، سعدی بوده؛ اما نزد کسانی که با سیاست تند سروکار داشته‌اند، کمی نادیده گرفته شده و حتی کسانی سبک‌رانه این جسارت را به خود دادند که لطیف‌ترین سخنور زبان فارسی را «ناظم» بخوانند، نه شاعر!

علت دوم این بود که سعدی جامعه ایرانی را واگو و ترجمانی می‌کند؛ یعنی آبنمای است در برابر ما. بدیهی است که او به این بسنده نمی‌کند. «آبنمای» که او می‌خواهد، آن است که بهتر از آنچه هست باشد، عیب‌هایش تا حد امکان کاهش گیرد. البته او اینقدر واقع‌بین هست که بداند بشر بی‌عیب نمی‌شود. کمال وجود ندارد و هر انسانی یک مقدار در معرض لغزش است، اما تا حد ممکن می‌خواهد جامعه را اصلاح کند؛ بنابراین اینه وجودی جامعه ایرانی است. عیب‌ها و حسن‌هایش، هم در او را می‌گوید و ما البته در این پنجاه‌ساله که دگرگونی سیاسی می‌خواسته‌ایم، این را خیلی خوش نداشته‌ایم. گذشتگان ما قدر این سخن‌ها را می‌دانستند و برایشان مسأله‌ای نبود. ما که در معرض فرهنگ غرب و چپ قرر گرفته بودیم و عوارض بعدی‌اش را هم به نوعی دیدیم، خوش نداشتیم که قیافه خودمان را در این سعدی نظاره کنیم! گرایش بر آن بود که اندیشه‌های حزبی و سیاسی جامعه را پیش ببرد، تا اینکه یک فرد اخلاقی بخواهد آن را اصلاح کند.

سومین نکته این است که اصلاح‌کردن فردی خود، قدری مشکل‌تر است تا دنباله‌روری از یک مرام و یک روش. این یکی آسان‌تر است؛ زیرا افراد جمع می‌شوند، دنبال هم راه می‌افتند، چند شاعر را مدنظر قرار می‌دهند و امید دارند که فکر خود را بر کرسی بنشانند، در حالی که اصلاح فردی و اخلاقی کار آسانی نیست. انسان باید قدری تحمل محرومیت بکند، تحمل انضباط بکند، برای خود مقداری حفاظ اخلاقی قرار دهد تا بتواند انسان بهتری بشود، و چون این کار آسان نبوده، مردم آن‌طور که باید به طرف سعدی نرفتند.

{فرهنگی}

آمارهای عجیب به نفع شبکه سه

برمودا و شریفی مقدم ۳۰۰ میلیون بار دیده شدند شما چطور آقای فروغی؟



نظرسنجی و مردم، مردم و شبکه‌های اجتماعی
یکی از شیوه‌های مدرن فهم شرایط جامعه، نظرسنجی و پایش افکار عمومی است که به مدیران بالادست و فرمان می‌دهد که مدیریتشانچه میزان با خواست و اراده ملتی که از آنان رأی گرفته برکسی قدرت (در هر سطحی) تکیه زده‌اند، مطابقت دارد. مردم چه می‌خواهند و بر اساس داده‌ها برای آینده جامعه برنامه‌ریزی کرده و هم‌افزایی جامعه و ارکان حاکمیت افزایش یابد. اگرچه نظرسنجی‌ها تقریبی است و تحلیل داده‌ها از اصول علوم اجتماعی تبعیت می‌کند؛ اما تشکیک‌ها در داده و اطلاعات و برآمده از آنان می‌تواند به فهم بهتر

حسین قره

اگرچه نظرسنجی ایسپا نشان می‌دهد که تولیدات شبکه سه بالاتر از همه تولیدات ایستاده است؛ اما برنامه‌هایی همچون برمودا کلمران نجف زاده و المیرا شریفی مقدم بیشتر از ۳۰۰ میلیون بار در شبکه‌های اجتماعی دیده شدند و این درحالی است که این برنامه‌ها از تولیدات این شبکه نیستند. داده‌ها و آمارهایی که از شبکه‌های اجتماعی به دست می‌آید می‌تواند نقیضی برابر نظرسنجی باشد.

حتماً این روزها به نظرسنجی‌ها و یا نظراتی که بر اساس داده‌های این نظرسنجی‌ها گفته شده، برخورداید. یکی از نهادهایی که این روزها و بعد از تعطیلات نوروز سوار بر موج نظرسنجی‌ها به دنبال مقاصدی است که جبران مافات و گذشته کند، سازمان صداوسیما است.برنامه‌های نوروزی این سازمان اگرچه خالی از ایراد نبود، اما چون از مواضع تندوتیز دوساله گذشته برگشته و به بعضی از هنرمندان و مجریان و برنامه‌سازان فرصت داد تا باری دیگر از قاب تلویزیون با مردم ارتباط بگیرند، نسبت به سقوطی که در ماه‌های سال قبل داشت و از زیر بار برنامه‌هایی با ۷ و ۱۰ درصد مخاطب خلاص شد و بالا آمد، سریعاً مدیران این سازمان در تمامی نشست‌ها از موفقیت برنامه تحول خود سخن گفتند که از جمله آنان رئیس این سازمان، پیمان جبیلی بود.

در میان تمام نظرسنجی‌های انجام شده، آخرین آن «سنجش نگرش مردم در خصوص برنامه‌های صداوسیما» با تعداد نمونه‌ی ۱۷۱۵ نفر از شهروندان ۱۵ سال به بالای سراسر کشور در «هفته آخر فروردین‌ماه» سال جاری بود که جای تحلیل و بررسی دارد. چراکه نتایج و داده‌ها با آنچه در کوچه و خیابان و جای بروز افکار مردم وجود دارد، متمایز است.

مهسا بهادری

ویدیویی منتشر شده که یکی از مدیران نماوا در آن می‌گوید بازیگران این سریال‌ها خیلی بی اخلاقی‌اند. بازیگران و تهیه‌کننده‌ها همه بی‌اخلاقی‌های خاص خودشان را دارند و به قرارداد و حرف‌شان متعهد نیستند. من در چند صنعت مختلف بودم از لوازم خانگی تا مصالح ساختمانی، کاشی سرامیک، خودرو و … بودم من به بی‌اخلاقی این‌ها هیچ جا ندیدم. همین ماجرا سبب شد هنرمندان واکنش نشان دهند.

اخیرا جنجال عجیبی در فضای مجازی به راه افتاده و سرمنشا آن یک مصاحبه ویدیویی یک دقیقه‌ای وایرال شده است که محمدحسن شانه‌ساززاده

مؤسس شاتل و نایبرئیس هیئت‌مدیره پلتفرم نمایش

خانگی نماوا در آن حرف‌های عجیب و غریبی می‌زند و همه بازیگران و تهیه‌کننده‌های سینمای ایران را به بی‌اخلاقی متهم می‌کند. شانه‌ساززاده دقیقاً در این ویدئو می‌گوید: «حالا هزینه‌هایش سرچای خودش، بازیگراش هم خیلی بی‌اخلاقند، یعنی من خودم یک مدت خیلی وقت می‌گذاشتم تو نماوا، بازیگرها و تهیه‌کننده‌ها همه بی‌اخلاقی‌های خاص خودشان را انجام می‌دهند، نه به قرارداد متعهدند، نه به حرف خودشان متعهدند و من در

چند صنعت مختلف بودم از مصالح ساختمانی تا کاشی و سرامیک و خودرو من به بی‌اخلاقی این‌ها آبازیگران و تهیه‌کننده‌ها ندیدم و اسمش هم این است که هنرمندند و فرهیختند و فرهنگی‌اند اما بسیار بی‌اخلاقند»

مجری در ادامه می‌خندد و می‌گوید امیدوارم وقتی این مصاحبه بیرون آمد ما و نماوا را بایکوت نکنند اما شانه‌ساززاده می‌خنددد و می‌گوید: «نه، آن‌ها اول و آخرشان پول است، شما پول بده آن‌ها هر کاری می‌کنند.»

اما پیش‌بینی مجری درست بود و بعد از انتشار این ویدیو نه تنها همهجه‌های زیادی به شانه‌ساززاده وارد شد که نماوا به‌خاطر آن ناچار به عذرخواهی شد و صنف بازیگران هم اعلام کرد که از این فرد شکایت خواهد کرد، بلکه هنرمندانی مثل همایون اسعدیان، مازیار میری، مصطفی کیایی هم نماوا را بایکوت کردند. همایون اسعدیان کارگردان سینما و تلویزیون نیز در واکنش به این اظهارات گفت: «آقای شانه‌ساززاده یکی از مدیران ارشد نماوا با حرف‌هایی که بیشتر زبینه خودشان است بازیگران و تهیه‌کنندگان سینمای ایران را مورد نوازش قرار دادند! من در چهل سال گذشته شاهد این میزان از وقاحت در اظهارنظر کسی در مورد هنرمندان نبودم و این صحبت‌ها بی‌سابقه است. به‌خصوص وقتی سوال‌کننده از آقای شانه‌ساززاده می‌پرسد نگران عدم همکاری بازیگران و تهیه‌کنندگان پس از این حرف‌ها نیستی؟ می‌گوید پول که بدهدی می‌آیند! قیاس به نفس می‌فرمایید جناب شانه‌سا؛ حداقل برای منی که در دو پروژه و هم کار کردم و چیزهای بسیاری از شما دیدم این حرف‌ها باعث تأسف است. جناب شانه‌ساززاده برای حفظ حرمت سینمای ایران، من، همایون اسعدیان عضو کوچک این سینما تا زمانی که شما در نماوا حضور داشته باشید در هیچ

سمتی با این مجموعه همکاری نخواهم کرد.»

مازیار میری هم در این مورد گفت: «آقای شانه‌ساززاده فرمایشاتی داشتند که واقعا باعث تأسفه، البته از نظر من تأسف بزرگ‌تر جایی است که مدیران فرهنگی کشور شرایطی به وجود می‌آورند که افراد کاسب کاری همچون ایشان عهدهدار و تصمیم‌گیر امور فرهنگی می‌شوند و از آنجا که بر خلاف تصورشان متعقدم اخلاق و شرافت بیش از هر حرفه‌ای نردن اهالی سینماست تا زمانی که ایشان رسماً از اهالی سینما عذرخواهی نکند از تمام پروژه‌هایی که قرار به همکاری با این پلتفرم داشتم انصراف می‌دهم.»

اسماعیل عقیقه تهیه‌کننده سریال جنگل أسفالت که از طریق نماوا پخش می‌شود در جواب به حرف‌های مدیر ارشد این پلتفرم درباره بازیگران و تهیه‌کنندگان نوشت: «ما به اندازه جناب شانه‌ساززاده درگیر پول نیستیم که به‌خاطرشر هرکاری بکنیم. ما مانند ایشان ایوالمشاغل نیستیم و شغل و میزان درآمد و سابقه و سطح زندگی ما چیز پنهانی ندارد. من در زمان مسئولیت آقای شانه‌ساززاده قراردادی با نماوا نداشتم و قرارداد «جنگل أسفالت» با تیم مدیریتی جدید بسته شد و علی‌رغم بالا و پایینی که هر پروژه دارد صمیمانه و همراه با اعتماد مقابل مشغول کاریم. تیمت‌های ایشان قابل پیگرد قانونی است، اما در حل حاضر تیم ما و مجموعه نماوا فصل مشترکی به نام «جنگل أسفالت» دارد، پس ما مانند ایشان مصداق این بیت سعدی نمی‌شویم که یکی بر سرشاخِ بُنِ می‌برید.»

هوشنگ گلמکئی، منتقد سینما هم نوشت: «در چیهه «قدرت و سرمایه» اغلب بی‌اخلاقی و بی‌تهدی، با ستم و فساد مالی و رانت‌خواری و حق‌کشی نیز همراه است.»

شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

تلفنی انجام شده است. بنا بر گزارش این مرکز مهم‌ترین یافته‌های این نظرسنجی ازاین‌قرار است که ۶۲/۲ درصد ایرانیان، تلویزیون می‌بینند و به ترتیب شبکه ۳، آی فیلم و شبکه یک، پربازدیدترین شبکه‌های تلویزیونی هستند. آیا این نتیجه قابل تشکیک است و از آن مهم‌تر آیا از این آمار می‌توان عملکرد این سال‌های تلویزیون که زیر نگین آقایان پیمان جبلی و وحید جلیلی اراده می‌شده است را توجه کرد. آیا به این داده‌ها می‌توان تأکید کرد که عمل کرده آقایان و آنچه ساخته‌اند با نظر مردم مطابقت دارد.

اراده مردم در بستریهای مختلف

شاید تا یک دهه پیش بسترها برای بروز عقاید مردم اندک بود، رسانه‌های مکتوب و تصویری و رسانه‌های جریان اصلی می‌توانستند با اتکا به میزان مخاطب مدعی باشند که دو دستور کار دارند، بیان خواسته مردم و جهت‌دهی (چه مثبت و چه منفی) به افکارشان و هدایت جامعه به آنچه مطلوب است و اصلاح بعضی از باورها …و… اما از دهه‌ای پیش‌تر مردم در تمام سطوح خود زبان ابراز پیدا کرده‌اند، گسترش فضای مجازی بر بستر وب و ساخت شبکه‌های اجتماعی این بستر را به وجود آورد تا کم‌کم مردم در شکل عام شبکه اجتماعی را تسخیر کرده و به بیان عقاید خود بپردازند. با این اتفاق اختیار دیگر تام و تمام در اختیار کسی نیست و شبکه‌هایی شناور و توده‌ای و ابری شکل می‌گیرد که نشان می‌دهد مردم چه چیزی را دوست دارند و چه چیزی را نمی‌پسندند، چه امری را تأیید می‌کنند و چه امری را پس می‌زنند و… شبکه‌های اجتماعی عهد یک خط و میزان برای صحت سنجی و برابر نهادن و قیاس با مراکز نظرسنجی شده‌اند. این را هم باید تأکید کرد که منابع نظرسنجی‌ها گاهی می‌تواند در شکل‌دهی نظرسنجی و… متغیرهایی را ایجاد کند.

واکنش هنرمندان به سخنان جنجالی محمدحسن شانه‌ساززاده

نماوا بایکوت می‌شود؟

کرده و رابطه احترام‌آمیز و مبتنی بر اصول حرفه‌ای با ایشان را همواره راهنمای عمل خود داشته است.

نماوا در بحران‌های اقتصادی سال‌های اخیر سینمای ایران، در کنار سایر سکوهای نمایش، کوشیده فضا و فرصتی فراهم کند تا آسیب‌های کمتری متوجه نیروهای خلاق سینما شود. هرچند که در جریان ساخت و نمایش برخی مجموعه‌های نمایشی مشکلاتی با برخی از همکاران پدید آمده باشد و مجموعه‌ای علیرغم هزینه‌های گزاف، با بدعهدی به پخش نرسیده باشد، اما بدیهی است که چنین مشکلاتی عمومیت ندارند و مصاحبه اخیر نایب رئیس هیات مدیره نماوا را می‌باید صرفاً واکنشی به موردی مشخص تلقی کرد.

مجموعه نماوا ضمن پوشش از هنرمندان شریف و نجیب و جامعه اصناف سینمای ایران تأکید دارد که تداوم رابطه مودت‌آمیز و محترمانه با سرمایه‌های گران‌سنگ سینمای ایران هم‌چنان مهم‌ترین سرمایه او خواهد بود.»

به نظر می‌رسد در ادامه، این سکوی نمایش فیلم و سریال را حداقل برای همکاری با جمعی از هنرمندان، با چالش جدی مواجه کند.

همچنین جامعه صنفی تهیه‌کنندگان به صحبت‌های شانه

ساز زاده واکنش تندی نشان داد و نوشت: «سالیانی ست که ساخت هنر، گاه و بیگاه به درشتی کوتاه قلمتان و تندپایندک خردان و نیش کج فهمان، آزرده می‌شود و جماعت بدشگون، فخر فروش سر بازار شده اند. دور و نزدیک گواه این مطلبند که دامن هنر در این مُلک، از حافظ تا امروز به صفای باطن و صدق ظاهر ظاهر شده و اسباب گفتن و تاسف است؛ که به دست این نایخردان چشم تنگ افتاده که نمی‌دانند عسل به خانه می‌برند یا شوکران! مُسلک شان بدعتی ست که آراستن خویش به زیور هنر را به چنین بزکی شیّع آلوده‌اند.

روزگار ملال آوری ست و از ماست و برماست که خانه از غیر نپرداخته‌ایم! جناب مخاطب محترم، کمی آرام! آنچه که نشسته اید حرمتی دارد که اگر تمام قد به حفظ حریم و شاییت آن توجه نکنید، خود را سراپا آلوده کرده اید. فراموش نکنید که آنچه امروز شما را شان گفتن و شنیده شدن عطا کرده، منزلت و برکت هنر و هنرمندانی ست که متعهدانه به خلق آثاریدست زده اند؛ که اگر به طریق و سلوک شما رفته بودند، امروز همین اندک توشه را هم نداشتید.

بر این باوریم که هنر متاعی نیست که سر هر بازار بشود خرید و سر هر بازار بشود فروخت، لکن چه کنیم که از بدحادثه، این روزها قدر ز بیشتر است تا هنر.

گله کنید و معترض باشید اما از خود؛ از طریقی که نه مرام تجارت دارد، نه زبان اهل هنر می‌شناسد. آنکه امروز به تبخُـر، تخفیف و تحقیرش می‌کنید، بجای سلطنت بر مال و اموال، بر چشم و قلوب مردمی جای دارد که سرآمد فخر و شرافتند.

این تقلاي بیپهوه را وناهید؛ به بانگ رسا عذر بخواهید و اظهار نامت‌ کنید و این خانه را به صاحبانش واگذارید که عرصه سیرمغ جولانگاه شما نخواهد شد؛ عرض خود می‌برید و زحمت ما می‌دارید.

اگر شماره‌اش سنسوکوات مجالی داد، سری به عبرت خانه أسلاف خود بزنید؛ از این راه به خدا نمی‌رسید، اما به خانه شاید!»

روابط عمومی خانه سینما (جامعه اصناف سینمای ایران): «هیأت رئیسه خانه سینما (جامعه اصناف سینمای ایران) با توجه به اظهارات اخیر نایب رئیس پلتفرم نماوا که موجب تنبویش اذهان عمومی و واکنش‌های گسترده اعضای صنوف سینمای ایران شده است، بررسی این موضوع را به شورای صیانت خانه سینمای ایران ارجاع می‌دهد. بدیهی است نتیجه و عکس‌العمل لازم پس از اظهار نظر شورای صیانت به اطلاع اعضای محترم سینمای ایران خواهد رسید.»

رضا کیانیان عضو انجمن صنفی بازیگران سینمای ایران نیز در واکنش به این ماجرا نوشت: «من هم سخنان نایب‌رئیس پلتفرم نماوا که به بازیگران و تهیه‌کنندگان توهین کرده بود را شنیدم. اتفاقاً به همین علت واکنش انتقادی آقایان همایون اسعدیان و مازیار میری را در صفحه خودم استوری کردم و بازنشر دادم. اصلا دوست ندارم راجع به آن فرد و ادبیات زشت او حرفی بزنم و او را مخاطب قرار دهم، ولی این را بگویم که قرار است انجمن بازیگران سینمای ایران یک شکایت قضایی از نایب‌رئیس نماوا تنظیم کند. باید منظر باشیم و ببینیم قوه قضائیه چه تصمیمی درباره سخنان توهین‌آمیز این فرد می‌گیرد.»